

## محمد عبداللهیان

نوشته حاضر متن پیاده شده سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین محمد عبداللهیان، در معرفی تفسیر سوره اخلاص، اثر حکیم متاله ملا علی نوری می باشد که در نمایشگاه بزرگ قرآن، برگزار شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (زمستان ۱۳۷۲) ایراد شده است.

آنچه که به عنوان موضوع صحبت اینجانب در این نمایشگاه بزرگ قرآن اعلام نموده اند عبارت است از: «معرفی تفسیر سوره اخلاص» تألیف حکیم الهی متاله علی نوری که در این فرصت کوتاه در ارتباط با آن دقایقی مصدع اوقات برادران و دوستان قرآن خواهام بود. ممکن است به ذهن بیاید که در این تفسیر چه نکته ویژه و مطلب خاصی نهفته است که از بین همه کتابهای تفسیری برای معرفی انتخاب و گزینش شده است. من خود نسبت به عظمت این تفسیر حیرت و اعجابی دارم که باید دید در پایان این عرایض کوتاه شما هم دارای چنین احساس و اعجابی خواهید بود یا نه؟

درباره این تفسیر، علماء تفسیر شناس گفته اند: «تفسیر متاله علی نوری بزرگترین تفسیر برسوره اخلاص است و برسوره اخلاص در اسلام، تفسیری به این عظمت و دقت نوشته نشده است.»

باید دید آیا این کلام اغراق آمیز است یا می توان با توجه به مزایای داخل تفسیر آن کلام و قضاوت را پذیرفته و تصدیق کرد.

حکیم متاله ملا علی نوری در آغاز با نقل و توضیح دو حدیث اساس و مبنای تفسیری خویش را بیان می دارد.

۱- از امام سجاد (ع) درباره توحید سؤال شد حضرت امام سجاد (ع) فرمودند: چون خداوند می دانست که در آخر زمان افرادی ژرف اندیش و عمیق می آیند، لذا سوره «قل هو الله احد» و آیات اول «سوره حدید» تا «علیم بذات الصدور» را نازل کرد. (نورالثقلین، ج ۵/ ۷۰۶)

با توجه به این حدیث می توان گفت سوره اخلاص و توحید در آخر الزمان که عقلها رشد یافته و فرهنگ و فهمها بیشتر شده است بهتر مفهوم می گردد و آن عقلهای ژرف اندیش است که می توانند به عمق آن سوره دست یابند.

۲- امام صادق (ع) فرمودند: «کتاب خداوند» بر چهار پایه استوار است: عبارت، اشارت، لطائف و حقایق، عبارت برای همگان، اشارت برای خاصان، لطائف برای اولیاء و حقایق برای انبیاء. (بحار الأنوار، ۲۰/۹۲)

از این حدیث شریف فهمیده می شود که به جز حقایق که برای انبیاء است و عبارتهای ظاهری که برای همگان و مردم است، دانشمندان و اولیاء را بهره ای از فهم اشارتها و لطائف قرآن می باشد و ملاً علی نوری مبنای تفسیرش را بر دو پایه مستفاد از این دو حدیث قرار داده است.

اول: این که عمق سوره توحید برای افراد ژرف اندیش در آخر الزمان آشکار می شود.

دوم: این که قرآن دارای لطائف و اشارات است که برای کشف آن می باید سعی و کوشش نمود.

برای معرفی این تفسیر لازم است به مطالبی اشاره گردد:

۱- مؤلف: حکیم متاله ملاً علی نوری از علمای ربّانی و بلند مرتبه است و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است و اصحاب تراجم، از آن بزرگوار، در علم و حکمت، معارف حقّه الهیه، مواظبت بر آداب دینی، مجاهدت و تزکیه نفس و مراتب علمی و عملی به یگانه دوران یاد کرده اند.

و آن بزرگوار حکمت متعالیه را در اصفهان برای چهار صد - پانصد شاگرد تدریس می کرده و علامه، استاد حسن زاده آملی از بعضی کتب تاریخ نقل کرده اند که: «مرحوم آخوند ملاً علی نوری در الهیات از ملا صدرا راسخ تر بوده است و مطالب الهیات را حتی از خود آخوند ملا صدرا بهتر تقریر و بیان می کرده است».

لذا با توجه به این واقعیات می توان گفت در تاریخ حکمت متعالیه و فلسفه صدرائی، آخوند ملا علی نوری، سرچشمه جوشانی بود که منشأ گسترش و رونق و پخش حکمت متعالیه گردید و نسبت ملا علی نوری به حکمت صدرائی مانند نسبت صدرالدین قونوی به مکتب عرفانی محی الدین عربی است که اگر آخوند ملا علی نوری نبود، حکمت متعالیه برای دیگران ناشناخته می ماند و گسترش نمی یافت و ایشان آن چنان به حکمت متعالیه عمق و روشنی بخشید که

می توان تمام فلاسفه بعد از ایشان را ریزه خوار این حکیم الهی، دانست.

بنابراین، مؤلف این اثر دانشمندی است بزرگوار، فیلسوفی بی همتا، سالک، اهل حدیث و محتاط کامل در دین.

## ۲- آخرین تالیف:

آخوند ملا علی نوری دارای حواشی و تألیفات بسیار است و تفسیر سوره اخلاص آخرین تألیف آن بزرگوار می باشد که در پایان آن فرزند دانشمندش مکتوب می دارد: «فانت بقوته» و شما می دانید کسانی که دارای تألیفات و آثار علمی هستند، برخی از آثار آنها مربوط به دوران جوانی و اوائل است که راه می افتند، و برخی مربوط به سنین متوسط عمر، و برخی آثار مربوط به دوران پختگی فرد است. بدست آوردن آثار مربوط دوران عمق و پختگی هر مؤلف در تاریخ فکری هر فرد بسیار با اهمیت است. مثلاً تألیفات ملاصدرا در سنین بالا که مشغول ریاضت و کناره گیری بوده، عمق و لطافت آن بسیار قابل توجه است تا آثار دوران جوانی، و اگر مؤلف اهل معنی و سیر و سلوک باشد کلمات دوران سوم عمر، تأثیر خاص و بسزائی خواهد داشت، زیرا در آن دوران انسان خود را روبه آخرت می بیند و به مرگ نزدیک و از غلبه مادیات کاسته و رنگ آخرت و آن سوئی گرفته است و کم کم خود را جدا شده از این دنیا می بیند.

به کتاب نفیس و شریف «المراقبات» تألیف عارف بزرگوار مرحوم میرزا جواد آقا ملکی (قدس سره) که مربوط به اواخر عمر شریف آن بزرگوار است مراجعه و بنگرید که کلمات، توصیه ها، و نصایح تا چه پایه همراه با سوزندگی و گدازندگی و تأثیر و عشق و شوق بیان گشته است.

و نیز کتاب «مرآة الرشاد» که آیه الله العظمی مامقانی آن را به عنوان وصیت برای فرزندان خویش تألیف کرده اند و در ابتدای آن نوشته اند: «بر همه فرزندان من تا قیامت لازم است این کتاب را بخوانند و عمل نمایند والا من از آنان راضی نخواهم بود».

روشن است که این کتاب که در آخر عمر و با آن همه اندوخته علمی و عملی و با این انگیزه که تا قیامت دستور العمل زندگی فرزندان باشد در آن حکمت‌های بسیار دلنشین و بلند خواهد بود که نمی توان آن را با آثار سطحی دیگر مقایسه نمود.

با توجه به آنچه گفته شد، تفسیر سوره اخلاص آخرین تألیف حکیم بزرگوار است که فیلسوف بزرگ عصر «سید جلال آشتیانی» درباره آن فرموده است:

«ملا علی نوری آثاری را که در سن کمتر از ۳۰ سال نوشته است انسان را به حیرت می آورد.»

۳- تفاسیر قرآن کریم از نظر حجم و تعداد جزء‌های قرآن گوناگون و مختلف می باشد، بعضی تمام قرآن را تفسیر کرده اند، برخی پنج جزء یا ده جزء از آن را، برخی تفاسیر مربوط به جزء آخر

قرآن است و بسیاری تفسیرها یک سوره از آن را تفسیر کرده اند و تفاسیری داریم که یک آیه مانند: آیه الکرسی یا آیه نور و یا آیات دیگر را مورد تفسیر قرار داده اند و تفاسیری داریم که کلمات و واژه های قرآن را تفسیر کرده اند. حال این سؤال پیش می آید. آیا تفسیرهای تمام قرآن یا تفسیرهای اجزائی کدامیک از نظر عمق و محتوا مهمترند؟

باید به عرض برسانم تفسیرهایی که بریک جزء یا چند جزء و یا سوره و آیه قرآن نوشته شده اند عمیق تر و دارای نکات بیشتری هستند تا تفسیرهای جامع تمام قرآن، زیرا کسی که بر تمام قرآن تفسیر می نویسد به یک آیه که می رسد پیش رویش افقی بی کران از مطالب و مباحث است که باید پیش برود و به آنها برسد و بتواند آیه بعد و آیات بعدتر را تفسیر کند و در این اندیشه است که بتواند حداکثر در بیست سال تفسیر را به پایان ببرد. و اگر ایام تألیف تفسیر را بریک آیه تقسیم کنیم شاید یک روز هم روی آن آیه فکر نشده باشد.

بدین جهت تفسیرهای کامل ضمن این که آنها این خوبی را دارند که انسان با تفسیر تمام قرآن سروکار دارد و هر جای قرآن را که خواست به آن مراجعه می کند و لکن به پای آن تفسیرهایی که اجزائی از قرآن یا سوره هایی از آن را تفسیر کرده اند نمی رسد. زیرا کسی که مثلاً شش سال بر جزء آخر قرآن تفسیر می نویسد مرتب هوش و فکر و مطالعه اش متمرکز روی همان قسمت می باشد.

و این مطلب تنها اختصاص به تفسیر هم ندارد، زیرا دانشمندان بزرگ معمولاً دارای یک اثر جامع و رساله های گوناگون می باشند، آن رساله های مجزا عمیق تر از اثر جامع است و حتی می توان آن اثر جامع را با مطالعه رساله ها بهتر فهمید.

مثلاً کسی که می خواهد «اسفار» مرحوم ملاصدرا را بفهمد می بایست رساله های گوناگون فلسفی ملاصدرا را مطالعه کند آن وقت می فهمد که بسیاری از مسائل فشرده در اسفار در آن رسائل بطور مشروح و واضح ذکر شده است.

و یا مرحوم علامه طباطبایی رساله های بسیاری دارند که توجه به آنها انسان را در فهم آثار جامع ایشان کمک می کند. بنابراین نقشی که تألیفهای موردی در پژوهش و فهم اندیشه ها دارند خیلی بیشتر است از اثر جامعی که مطالبی روی هم انباشته شده است.

لذا یک مقاله قرآنی در یک مسئله ممکن است عمقش بسیار زیادتر باشد تا یک تفسیر جامع قرآنی نسبت به آن مسئله، چون ممکن است حاصل بیست سال فکر و اندیشه و تجربه و گفت و گو در یک مقاله آمده باشد.

و در واقعیت هم مطلب را این طور می یابیم. مثلاً وقتی به تفسیرهایی که بر جزء آخر قرآن

نوشته شده است می‌نگریم و آن را مقایسه می‌کنیم با تفسیر کامل که جزء آخر را تفسیر کرده می‌بینیم عمق تفسیر جزء آخر برخی اوقات به قدری زیاد است که نمی‌توان آن را با تفسیر کامل، مقایسه نمود. و این ژرف‌اندیشی به مراتب بیشتر می‌شود آن‌گاه که مفسر به یک سوره از قرآن مجید بپردازد، زیرا مفسر در آن سوره مطالب و مسائل بسیاری را دیده و تجربه علمی یک عمر را پشتوانه قرار داده تا توانسته بر آن سوره تفسیر بنویسد.

و تفسیر ملا علی‌نوری از این نوع تفاسیر است که فقط سوره «قل هو الله احد» را مورد تفسیر قرار داده و ظرائف و لطائف آن را به بیان آورده است.

هد تفسیرهای قرآن بطور معمول آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند و به تفسیر خود سوره‌ها نپرداخته‌اند با این‌که هر سوره دارای روحی است کلی و پیامی است آموزنده که بر تمام آیات آن سوره سایه افکنده و آیات سوره بدین شیوه تنظیم گشته است که روح اصلی و اساسی آن سوره را تبیین نمایند و این مطلبی است بسیار اساسی و بلند، درباره قرآن مجید که می‌باید مفصل پیرامون آن بحث گردد که مجال آن نیست.

تفسیر سوره اخلاص آیا از نوع تفاسیری است که آیات را تفسیر کرده است یا به تفسیر خود سوره توحید و روح کلی حاکم بر آن پرداخته است؟ نکته و مطلبی که این تفسیر را اعجاب‌آمیز و شگفت‌آور می‌کند در همینجا نهفته است که این تفسیر با اینکه حدود یک جلد کتاب می‌شود و از میان تفاسیر نوشته شده بر سوره توحید بزرگترین آنان است، ایشان فقط سوره توحید را که دارای چه حقیقتی است تفسیر کرده و فقط دو کلمه «قل» و «هو» را تفسیر کرده که فرزند ایشان باکمال تأسف در پایان می‌نویسد: «فانت بفوته»

لذا این تفسیر ملا علی‌نوری از نوع تفاسیر سوره هاست و عمر وفا نکرده است که بتوانند آیات آن سوره را تفسیر کنند.

و این مطلب بسیار با اهمیت است که این همه نوشته فقط پیرامون تفسیر پیام اصلی و روح سوره توحید است.

این تفسیر تا این تاریخ مخطوط مانده، هم‌اکنون مؤسسه معارف اسلامی امام رضا در قم، اقدام به احیاء و استخراج منابع و علائم گذاری و حروفچینی آن نموده است که ان شاء الله تعالی به زودی چاپ خواهد شد و مورد بهره‌وری دستداران قرآن قرار خواهد گرفت.